

میدون و سوفیا

چرا ایرانی‌ها دسته‌دوست هستند؟



► **پوریا عالمی**

● سلام سوفیا.
- سلام میدون دوم.
: به نظر ساختن سدت خوبه یا بد؟ چون الان مد شده ایرانی‌ها دو دسته شدند؛ اونها که مخالف سدسازی هستند و اونها که موافق سدسازی هستند!
- ببین کلا ایرانی‌ها اهل دسته هستند. یا تا هر چیزی را به دسته‌اش نرسانند ولکن نیستند؛ مثلا طرف بین پیژتا و چلوکباب نمی‌تواند انتخاب کند، اما به طور ناموسی تصمیم می‌گیرد چپ باشد یا راست! و اگر چپ شد یا راست، دشمن قسم‌خورده دسته مقابل می‌شود!

: راست میگی! من یک دوستی دارم که جمعه‌ها طرفدار کمونیسم میشه و میکه باید کارگر و کارفرما رو یکی کنیم، اما شنبه بعدازظهر طرفدار بازار آزاده و میکه هرکی نخوره خورده میشه! دوشنبه‌ها میکه رقابت بازار رو فاسد می‌کنه و باید همه چیز دولتی شه! چهارشنبه میکه حق مالکیت رو باید از مردم گرفت و داد به حاکمان! پنجشنبه میکه حاکمان باید به مردم اجازه هم بدنند!

- عجب شاهکاری!

: یک رفیق هم دارم بدون هیچ دلیلی طرفدار اصلاح‌طلب‌ها بود تا اینکه پارسال یک پروژه از اصولگراها گرفت!

- عجب!

: یک منتقد هم می‌شناسم که از فیلم‌های دهنمکی و کیمیایی و فرهادی کهپر می‌زد تا اینکه اینها دعوتش کردند مهمانی! از فردای مهمانی درباره «جهان دهنمکی» و «مانیفست کیمیایی» و «فلسفه فرهادی» حرف می‌زد!

- حالا چی میدون دوم؟ حالا ما باید طرفدار سدسازی باشیم یا مخالفش؟

: بستگی داره ببینیم چه دسته‌ای مد شده! به‌هرحال ما ایرانی‌ها دسته‌دوست هستیم و دسته دوست داریم سوفیا.

دور دنیا

خط مقدم وحشت



روزنامه انگلیسی «میر» این هفته گزارشی با عنوان «در خط مقدم وحشت» منتشر کرده که ضمن آن با نیروهای انگلیسی و سربازان افغان در جبهه جنگ با داعش در افغانستان گفت‌وگو کرده است. کریس هیوز نویسنده این گزارش در کابل نوشته است: «دیوارهای بتنی ضدانفجار، سیم خاردار و کامیون‌های زرهی برای ایجاد امنیت در سراسر شهر قرار گرفته‌اند و ما فاصله چندکیلومتری بین پایگاه‌ها را با هلیکوپتر پوما طی می‌کنیم. ما در کابل هستیم تا ببینیم چگونه بیش از هزار سرباز بریتانیایی مأموریت خود را برای بستن پایتخت افغانستان و آموزش نیروهای نظامی و پلیس محلی برای رفع تهدید طالبان انجام می‌دهند». وی خاطرنشان کرده جنگ بین حکومت افغانستان و طالبان باید پایان یابد تا بتوان جلوی تثبیت داعش در این کشور و حملات برون‌مرزی آنها را گرفت. سرلشکر هولمز بالاترین مقام نیروهای بریتانیایی مستقر در افغانستان برای هیوز توضیح داده شاخه‌ای از داعش که در این منطقه مستقر است، قصد دارد به اهدافی در اروپا حمله کند و مأموریت این نیروها در افغانستان در نهایت، حفاظت از منافع ملی بریتانیا است تا تئوریست‌ها از این ناحیه به عنوان «پناهگاه امن برای حملات خارجی» استفاده نکنند. وی تأکید کرده داعش برای هرکسی که در افغانستان بخواهد هر کاری بکند، «از جمله برای طالبان، تهدید محسوب می‌شود». در این گزارش به نقل از ژنرال احسان‌الله عظیم، سرسریک ارتش ملی افغانستان نیز نقل شده که شکست‌دادن داعش از اهداف مذاکرات صلح میان دولت و طالبان است. وی گفته است: «اگر طالبان و دولت با هم به توافق برسند، داعش تهدید قابل ملاحظه‌ای نخواهد بود. آنها به راحتی شکست خواهند خورد».

در این گزارش تعداد نیروهای طالبان ۴۰ هزار نفر برآورد شده و تعداد افراد شاخه داعش در این منطقه بر اساس این گزارش از چهار هزار نفر به هزار نفر کاهش یافته است. این البته بدون درنظرگرفتن هشت هزار نفر اعضای شبکه حقانی است که در این گزارش از آنها با عنوان «سوپرانوها» ی جنگ افغانستان (برگرفته از نام یک سریال تلویزیونی) یاد شده است.

در این گزارش همچنین از یک پسربرچه هشت‌ساله بریتانیایی که در سال ۲۰۱۵ وادار شده با پدر داعشی خود به سوریه برود و در یک حمله هوایی نیروهای غربی کشته شده، به عنوان جوان‌ترین بریتانیایی کشته‌شده در جنگ داعش یاد شده است. بیش از ۱۲ جوان‌ترین بریتانیایی کشته‌شده در این جنگ ۱۲ سال داشت.

شترخوار

www.sharghdaily.ir

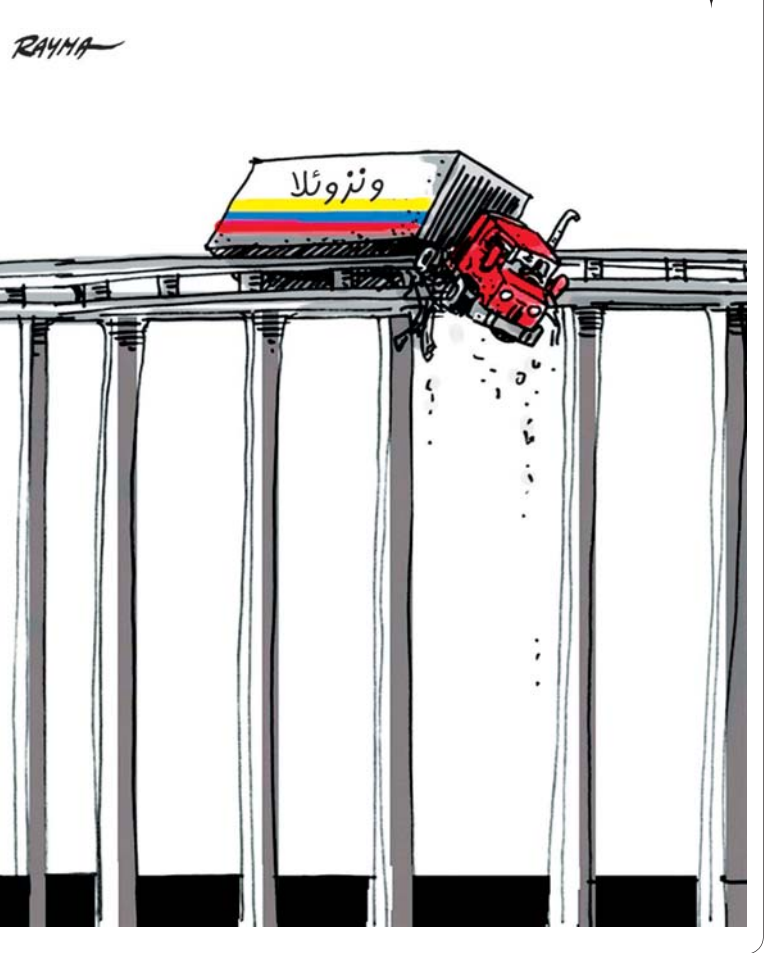
چهارشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۸ • ۱۱ شعبان ۱۴۴۰ • ۱۷ آوریل ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۰۵ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۱۹:۵۸ • اذان صبح فردا ۵:۰۰ • طلوع آفتاب ۶:۲۸

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

► **رایما ساپرانی**



پرنده آبی

آتش در نوتردام

سوختن بخشی از کلیسای ۸۵۰ساله نوتردام و فروریختن یکی از مناره‌های آن به عنوان یک تراژدی از سوی مردم سراسر جهان در شبکه‌های اجتماعی بازتاب داشت. چه ترامپ که با اظهارنظرش توانست بار دیگر مورد تمسخر بسیاری قرار بگیرد و چه بسیاری از مردم ایران که عکس‌های خود را با این بنای تاریخی منتشر کردند. شخصیت‌های مهم جهان همچون مرکل، مکرون و جواد ظریف نیز با مردم فرانسه ابراز همدردی کردند. مکرون نخست‌وزیر فرانسه اعلام کرد «نوتردام را بازسازی خواهیم کرد» و قرار شد پندرای کمک‌های بین‌المللی باشند هرچند در کمتر از ۲۴ ساعت ۶۰۰ میلیون دلار در این زمینه جمع‌آوری شد. هنوز علت آتش‌سوزی معلوم نیست اما غیرعمدی‌بودن آن مشخص شده است. در این میان تعطیل‌بودن بنا و حضورنداشتن توریست‌ها کمک بزرگی بود. هرچند مقدار زیادی آثار گرانبها در این میان سعی شد از کزدن آتش رهایی یابند و اعلام شده که ساخت دوباره این کلیسای کاتولیک شاید سال‌ها طول بکشد. گاردین با یکی از کارشناسان هنری سخن گفته است؛ او با اشاره به یکی از اشیای گران‌قیمت گفته است: «این کلیسا روح بریتانیایی مستقر در افغانستان برای مردم فرانسه نیست. برای همه بشریت است، این یکی از بهترین بناهای عظیم تمدن است». مسئولان آخر شب اعلام کردند که برنامه‌ای برای محافظت از گنجینه‌های نوتردام به سرعت و با موفقیت آغاز شده است. فرانک راید، وزیر فرهنگ فرانسه، عکس‌هایی از تخلیه آثار گران‌قیمت این کلیسا را منتشر کرد؛ از جمله «تاج مقدس» تاج خاداری که مشهور است هنگام مصلوب‌شدن بر سر عیسی قرار داشت. این تاج در اصل از اورشلیم در سال ۱۲۳۸ به یکی از شاهان فرانسوی اهدا شده و بعدها به نوتردام منتقل شده است؛ تاجی که اکنون در شیشه نگهداری می‌شود. شهردار پاریس تأیید کرد که این تاج نجات یافته است. در عین حال ابراز نگرانی



یادداشت

ضعف اعتماد و تخریب سیل

فوبره و کولمن به بحث سرمایه اجتماعی پرداختند و در سال ۲۰۰۰ فرانسیس فوکویاما گفت آنچه این سه نوع سرمایه پیش‌گفته را به حرکت در می‌آورد و به کار می‌اندازد و به هم پیوند می‌دهد، سرمایه اجتماعی است. به این ترتیب پس از «منابع طبیعی» و «تکنولوژی» و «سرمایه انسانی»، سرمایه دیگری تأمین نشده، یکی از نکات دیگری است که سبب کاهش اعتماد می‌شود. اما از آنجایی که اعتماد به طور کلی مهم‌ترین عنصر «سرمایه اجتماعی» است، این مشکل با بحث سرمایه اجتماعی پیوند می‌خورد. جامعه‌شناسان تا پیش از دهه ۲۰ میلادی از سه نوع سرمایه صحبت می‌کردند که عبارت بود از «سرمایه طبیعی» مانند معادن و قابلیت‌های تحت‌الارضی و سطح‌الارضی و «فناوری» همچنان‌که در قرن هجدهم معتقد بودند کنشوری پیشرفت می‌کند که تکنولوژی برتر داشته باشد و «نیروی انسانی» که از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در آثار بزرگانی مثل هابریسون، مایرز و آلفرد مارشال برنده جایزه نوبل در اقتصاد و ژاکوب مینسر، تئودور شولتز و دیگران مطرح شد. از سال‌های ۱۹۲۰ به بعد، متفکرانی مانند جاکوب و هنینف معتقد بودند این سه سرمایه لازم است، اما کافی نیست و مفهوم سرمایه اجتماعی به‌تدریج شکل گرفت. در دهه ۱۹۷۰ افرادی مانند



► **امان‌الله قرابی‌مقدم**

به‌طور کلی بسیاری از مسائل و مشکلاتی که در بروز بلایای طبیعی اخیر و جاری‌شدن سیل در نقاط مختلف کشورمان شاهدش بودیم، ناشی از ضعف اعتماد در جامعه است. مثلا اگر سلب‌ریتی‌ها یا افرادی خاص توانستند به جای نهاده‌ها پول جمع کنند یا اگر اعلام می‌شود که مردم به علت احتمال بالای سیل باید خانه‌ها را خالی کنند، اما خالی نمی‌کنند، باید به مسئله اعتماد توجه کرد. سازمان هواشناسی از پیش‌بینی وقوع سیل از ۴۸ ساعت یا یک هفته قبل از آن برای غرب کشور خبر داده است ولی اگر مردم به اعلام هواشناسی توجه نمی‌کنند، باید آن را به ضعف اعتماد در جامعه نسبت داد. معنی‌اش این است که باور ندارند آنچه استاندارد می‌گوید یا در بلندگو گفته می‌شود یا هواشناسی اعلام می‌کند، به وقوع پیبوند. البته درباره تخلیه‌نکردن به‌موقع خانه‌ها یک عامل دیگر نیز علاوه بر بی‌اعتمادی دخیل است و آن هم اینکه بسیاری از این مردم همه هستی و دارایی خود را در آن خانه دارند و احساس امنیت هم نمی‌کنند –چنان‌که مواردی از دزدی نیز در این قبیل

روایت

آسیب‌دیدگان از شکاف تاریخی



► **محمد رضا نیک‌نژاد**

دو مرد در راهی همسفر یکدیگر شدند؛ یکی از آنان راهزنی چیره‌دست بود و دیگری اسبی داشت و سوار بر آن ره می‌سپرد. پس از اندکی همراهی و البته برقراری اعتماد! مرد که از سواربودن خویش و پیاده‌بودن همسفرش در عذاب بود، پیاده شد و جوانمرانده اسب را به راهزن سپرد. در فرصتی مناسب راهزن اسب را به تاخت بدزدید. حین دوشردن راهزن، مرد فریاد زد «دست‌کم به کسی نگو که اسب را چگونه به دست آورده‌ای! چراکه از آن پس «اعتماد» و «جوانمردی» آسیب می‌بیند و دیگر هیچ‌کس به هیچ‌کس اعتماد نخواهد کرد و ...».

این داستان، حکایت جامعه امروز ما و آسیب‌دیدگان رویدادهای طبیعی پیاپی در کشور است. از سویی شکاف تاریخی میان دولت و ملت و از دیگر سو گرفتاری‌های اقتصادی گسترده و البته خیرهای پرسامد سوء‌استفاده‌های مالی، سردم را بیش از هر زمانی به دولت و به یکدیگر بی‌اعتماد کرده است. بسیاری از مردم – درست یا نادرست – برای رساندن کمک‌های خویش به آسیب‌دیدگان زلزله، سیل و ... از مسیر نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی بی‌اعتمادند. بی‌گمان ازمیان‌برداشتن این بی‌اعتمادی نیاز به تلاش‌های زیربنایی و گسترده از سویی دولت دارد که البته نگارنده نه می‌خواهد و نه می‌تواند در چنین یادداشتی به آن بپردازد.

اما در نبود این اعتماد-دست‌کم در میان بخشی از شهروندان – در رویداد تلخ زلزله کرمانشاه، سازمان‌های مردم‌نهاد، گروه‌ها و کنشگران مدنی- صنفی و افراد سرشناس (سلب‌ریتی‌ها) به خوبی توانستند بخش چشمگیری از کمک‌های مردمی را به حادثه‌دیدگان برسانند. در این میان انتشار گسترده خیرهای سوء‌استفاده‌های مالی در چرخه کمک‌رسانی، گشودن پرسروصدای پرونده‌های قضائی در این زمینه و فشارهای آشکار و پنهان برای کنارکشیدن افراد و نهاده‌ها از این چرخه، شوربختانه توانست بخش بزرگی از یاری‌دهندگان را از گردونه تلاش‌های خیرخواهانه پس بزند. نگارنده مدعی نی‌بود سوء‌استفاده‌های مالی در این زمینه نیست، بلکه در پی تأکید بر پیامدهای اجتماعی چنین رفتارهایی است. بی‌گمان «اعتماد» یکی از ارزشمندترین منش‌های اجتماعی در میان انسان‌هاست. نبود اعتماد، افزون بر آسیب‌ها و پیامدهای فردی، می‌تواند آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی گسترده‌ای را در پی داشته باشد که کمترین آن درباره سیل‌های کنونی، محروم‌ماندن برخی از هم‌میهنان آسیب‌دیده‌مان از کمک‌های بخش دیگری از شهروندان خیر است. شوربختانه دامن‌زدن ناشیانه و خودخواهانه به این بی‌اعتمادی، سبب شده است امروز که با رخدادی کم‌ستردته‌تر از رویدادهای پیشین روبه‌رو هستیم چندان خبری از افراد سرشناس در کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان نباشد. بی‌گمان حذف این بخش از خیرین، نه‌تنها نمی‌تواند بی‌اعتمادی تاریخی- اجتماعی میان دولت و ملت را درمان کند، بلکه موجب حذف بخش ارزشمندی از کمک‌های مردمی شده و آن بدتر، اعتماد را که از پایه‌ها و ستون‌های قوام‌دهنده اجتماعی است به‌شدت کاهش می‌دهد. بهتر است به اندک سوءاستفاده‌ها بدون بوق و کرنا رسیدگی کنیم و فضا را برای تلاش‌های ارزشمند انسانی ننیدیم که بی‌گمان چنین رفتاری برشاخ‌نشتن و بن‌بریدن خواهد بود!

ایلنا: امیرحسین صدیق که با برنامه «عشق سفر» همکاری می‌کند، گفت: «هدف برنامه این بود که مردم بدانند چطور از خانه خود به قصد جایی راه بیفتند و سفر برای آنها چقدر هزینه برمی‌دارد. همچنین چطور وسایل خود را ببرند و با پول خود چه کارهایی می‌توانند انجام دهند، ولی مثل اینکه تلویزیون دوست ندارد ببیند که قیمت‌ها به چه صورت است. به همین دلیل، فقط به جزاییت‌های بومی و گردشگری مناطق مختلف می‌پردازیم». او معتقد است: «هر چقدر شعار بدهم که آقا سالی سه بار ترکیه و کشورهای خارجی نرود و برای دیدن ایران خودمان بیایید، وقتی وسایل آن مهیا نباشد، مطمئن

اتفاق

کشتار و ترامپ در صدر جوایز پولیتزر ۲۰۱۹

چهارمین جایزه پولیتزر آقای بارستو بود و خانم کریک ۵۱ساله و آقای بوتنر ۵۷ساله تاکنون در میان نامزدها بوده‌اند، ولی جایزه‌ای نگرفته‌اند. روزنامه‌نگارانی از میامی‌هرالد و واشنگتن‌پست در میان رقبای این سه روزنامه‌نگار بودند.

در بخش «گزارشگری محلی»، جایزه پولیتزر به کارکنان The Advocate از لس‌آنجلس تعلق گرفت که به تحقیق درباره قانونی در لوزیئانا پرداختند که به هیئت‌منصفه اجازه می‌داد متهمان را بدون رأی قاطع همه اعضا محکوم کند. برندگان پولیتزر بخش «گزارشگری ملی» نیز کارکنان وال‌استریت ژورنال بودند که این جایزه را برای مقالات خود درباره مبالغ پرداخت‌شده به دوزن از سوی کمیسیون انتخاباتی ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ دریافت کردند. جایزه بخش «گزارشگری بین‌المللی» به‌طور مشترک به دو گروه تعلق گرفت؛ مگی میچل، معاد الذکر و نریمان المفتری از خبرگزاری آسوشیتدپرس برای «رشته گزارش‌هایی به مدت یک سال درباره جزئیات جنایات وحشتناک جنگ در یمن، ازجمله سرقت کمک‌های غذایی، اعزام کودکان سربازان و شکنجه زندانیان» و کارکنان روتیزر برای «گزارش مؤثر در افشای زندگی «سربازان و روسایان بودایی‌ای که مسئول اخراج و قتل مسلمانان روهینگیا از میانمار هستند؛ پوشش شجاعانه‌ای که سبب زندانی‌شدن خبرنگاران شد». از برندگان سایر بخش‌های روزنامه‌نگاری این دوره پولیتزر می‌توان به کارلوس لوزادا از واشنگتن‌پست در بخش «تقدادات»، برنت استاپلز از نیویورک‌تایمز در بخش «یادداشت سردبیری»، دارین بل، کاریکاتوریست آزاد در بخش «کارتون» و کارکنان روتیزر در بخش «عکاسی خبر فوری».

جایزه پولیتزر در بخش ادبیات داستانی به رمان «سایه‌بان» نوشته ریچارد پاورز رسید که با «مؤمنان واقعی» نوشته ریکا ماگای و «آنجا آنجا» اثر تامی اورنج در رقابت بود و «دیدگاه منصفانه» نوشته جکی سیلیجز دروزی نیز برنده جایزه بهترین اثر نمایشی این دوره شد. فارست گندر، نویسنده مجموعه‌شعر «بودن با»، برنده جایزه شعر پولیتزر ۲۰۱۹ شد و این رید با اثری ابرایی با عنوان Prism، جایزه موسیقی پولیتزر تهیه کنیم و به سفر برویم؟ به نظر من سفر یکی از اولویت‌هاست. حال که کتاب نمی‌خوانیم، حداقل به سفر برویم. یا وقتی ناراحت می‌شویم از اینکه چرا اسم خلیج‌فارس را تحریف می‌کنند، باید دست‌کم یک بار به جابهار، قشم و کیش رفته باشیم و خلیج‌فارس را به چشم ببینیم. نه از سمت دوبی، بلکه از سمت ایران، چون خلیج‌فارس است».

همین حوالی

سفر یا وسیله گران‌قیمت؟

باشید که کسی گوش نمی‌کند. غالبا همه ما درگیر دغدغه مالی هستیم. مهم این است که ما چه اولویت مالی‌ای برای سفر در زندگی‌مان داریم. آیا ترجیح می‌دهیم که یک کالای لوکس در خانه و کیفمان داشته باشیم یا اینکه می‌توانیم وسایل ارزان‌تری را تهیه کنیم و به سفر برویم؟ به نظر من سفر یکی از اولویت‌هاست. حال که کتاب نمی‌خوانیم، حداقل به سفر برویم. یا وقتی ناراحت می‌شویم از اینکه چرا اسم خلیج‌فارس را تحریف می‌کنند، باید دست‌کم یک بار به جابهار، قشم و کیش رفته باشیم و خلیج‌فارس را به چشم ببینیم. نه از سمت دوبی، بلکه از سمت ایران، چون خلیج‌فارس است».

